روزنه

محمدصادق جوادی‌حصار:

اصلاح‌طلبان متقاعد نمی‌شوند که پشت‌سر لاریجانی بایستند

● **ایلنا:** محمدصادق جوادی‌حصار گفت: «یکی از اصلی‌ترین مسائل اصلاح‌طلبان در شرایط کنونی این است که ما برای دستیابی به شرایط مطلوب، نخست باید مطالبات خود را شفاف، روشن و البته محدود اعلام کنیم و به مردم بگوییم که برای انتخابات آینده این کارها را در دستور کار داریم و انجام خواهیم داد؛ مثلا درخصوص انتخابات در نظر داریم که شرایط برگزاری انتخابات به این صورت باشد یا اینکه مثلا نظارت استصوابی به فلان صورت باشد یا احزاب در انتخابات مؤثر باشند در حدی که بتوانند در پروسه برگزاری انتخابات هم دخیل باشند». جوادی‌حصار در ادامه درخصوص مطرح‌شدن موضوعاتی مبنی‌بر استعفای عارف پس از اعلام استعفای موسوی‌لاری از این شورا، با تأکید بر ویژگی‌های مثبت عارف، بیان کرد: «پیشنهاد من به آقای عارف به‌عنوان یک شخصیت متین، منطقی، علمی و کارآمد سیاسی این است که پیش از آنکه دیگران به او بگویند شما نباید باشی، خودش از شورای‌عالی استعفا دهد و اجازه دهد که احزاب فارغ از تعارفات یا طعنه‌وکنایه‌های سیاسی فرصت بازنگری بدون هیچ مانع سیاسی، اخلاقی و فرهنگی را پیدا کنند». او افزود: «به‌عنوان دوست ایشان و مشاورشان در مقطع انتخابات از ایشان خواهش می‌کنم که اجازه ندهند بیشتر از این به حضور ایشان در عرصه سیاسی بی‌اعتنایی شود و خودشان از ریاست شورای‌عالی سیاست‌گذاری استعفا دهند و به شورا بگویند که باید خود شورا مکانیسم جدیدی را انتخاب کند و همان‌طور که آقای موسوی‌لاری گفت، ایشان هم بگوید که کنار شما (شورا) هستم، اما دیگر مسئولیت قبول نمی‌کنم و این‌گونه به احزاب اجازه دهند بدون هیچ مانعی با دست باز و فراغت بیشتر به بازنگری رفتار گذشته بپردازند و از ظرفیت‌های مجموعه اصلاح‌طلبان مثل آقای خاتمی یا خود آقای عارف و بسیاری از شخصیت‌های دیگری که در حوزه اصلاح‌طلبی ایفای نقش کرده و می‌کنند، به صورت بهینه استفاده شود و خدای‌نکرده احساس نشود که این افراد مانعی در جریان اصلاحات هستند، بلکه در کنار هم و هماهنگ با جریان خواهند بود. من تصور می‌کنم آقای عارف اگر این کار را بکنند خدمتی به خودشان و به بقای سیاسی‌شان در جامعه سیاسی ایران کرده‌اند». عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی درخصوص مطرح‌شدن احتمال حمایت از افرادی مانند علی لاریجانی یا علی مطهری در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ از سوی اصلاح‌طلبان گفت: «من قبلا هم اعلام کردم که آقای لاریجانی اصلا چه زمانی اصلاح‌طلب بود که ما بخواهیم بگوییم از ایشان حمایت می‌کنیم. اگر مسئله حمایت از یک چهره معتدلِ میانه‌رو مثل آقای روحانی باشد که خب این نگاه هم کارنامه موفقی را به‌جا نگذاشته است».

عکس: سهند تاکی، شرق

گفت‌وگو با دکتر محسن رنانی، استاد اقتصاد

آینده ایران و ۴ زلزله

علیرضا غریب‌دوست: شمار تحولات و وقایع یک دهه گذشته در ایران را می‌توان در فهرستی بلند برشمرد. دکتر محسن رنانی این تحولات را در میانه دو زلزله نخست دهه و دو زلزله پایانی دهه می‌داند که آغاز آن سال ۱۳۸۸ بوده و پایان آن بهار سال ۱۴۰۰ خواهد بود و دیگر وقایع را که اتفاقا تحولات مهمی نیز بوده‌اند، پیامدها و پس‌لرزه‌های متأثر از آنها می‌خواند. در طولِ گفت‌وگو، دکتر رنانی مدام به انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ اشاره می‌کند که از نظر او، صحنه بروز و نمایان‌شدن نتایج یک دهه تحولات در کشور خواهد بود و چه‌بسا فرصتی باشد برای آغاز تحولات جدید. او معتقد است اکنون بهترین زمان برای گفت‌وگو و تعامل با آمریکاست، چراکه نوعی توازن میان هر دو طرف برقرار است. دکتر رنانی دل‌بستن به ناکامی ترامپ در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری آمریکا را دور از واقع‌بینی می‌داند و معتقد است نباید تصمیم‌گیری در این مورد را به بعد از انتخابات موکول کرد، زیرا بهترین معامله‌ها زمانی رخ می‌دهد که طرفین منفعت زیادی از مذاکره می‌برند و اکنون به دلیل نیاز مبرمِ ترامپ در آستانه انتخابات، می‌توان امتیازهای خوبی از آمریکا گرفت.

محور اصلی این گفت‌وگو بررسی تحولات دهه گذشته ایران از منظر سیاسی و اجتماعی است با این رویکرد که کدام مسائل اصلی نیازمند تحول در دهه گذشته وجود داشته که یک بار فرصت بهره‌برداری از آنها از دست رفته است و دیگر نباید چنین فرصتی را برای تحول و توسعه جامعه از دست داد؛ چراکه ممکن است فرصت جبران آنها را دیگر نداشته باشیم. برخی از شاخص‌ترین وقایع و تحولات ایران از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ همچون چالش انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دهم و تبعات بعدی آن، اختلافات در درون جریان اصولگرایی و تنش‌های میان دستگاه‌های مختلف، حذف سوبسیدهای دولتی که با توصیه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی اعمال شد، قطع‌نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل و افزایش تحریم‌ها، ترور دانشمندان هسته‌ای، تحولات موسوم به بهارعربی، اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، خانه‌نشینی ۱۱روزه آقای احمدی‌نژاد، اختلاس سه هزار میلیاردی، حمله به سفارت انگلستان، حمله سایبری استاکس‌نت، بحران‌های سوریه، عراق، افغانستان، بحرین و یمن، انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم و رد صلاحیت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و پیروزی دکتر روحانی، مذاکرات رسمی وزرای خارجه ایران و آمریکا و اولین تماس تلفنی رؤسای‌جمهور دو کشور پس از انقلاب، گسترش داعش و اعلام دولت اسلامی، بازداشت تفنگ‌داران دریایی آمریکا توسط سپاه در خلیج‌فارس، انعقاد توافق‌نامه برجام و لغو قطع‌نامه‌های سازمان ملل علیه ایران، حمله به سفارت عربستان و قطع روابط دیپلماتیک آن کشور با ایران، فروریختن ساختمان پلاسکو، حادثه قطار در محور سمنان-دامغان، فوت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، کودتای نافرجام علیه اردوغان در ترکیه، رأی مردم بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا و ماجرای برگزیت، پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، پیروزی مجدد دکتر روحانی در سال ۹۶، حمله داعش به مجلس شورای اسلامی و پاسخ موشکی ایران به مواضع داعش در سوریه و عراق، زلزله کرمانشاه، آتش‌سوزی و انفجار کشتی سانچی، سقوط هواپیمای مسافربری در یاسوج، اعتراضات دی‌ماه ۹۶ و آشوب‌های گسترده اجتماعی، خروج آمریکا از برجام و آغاز فشارهای گسترده و تحریم‌های بی‌سابقه علیه ایران، سقوط ارزش ریال، پرونده شریفی قائم‌مقام وقت شهرداری تهران و استعفای غیرمنتظره محمدعلی نجفی از شهرداری، لغو قراردادهای فروش هواپیما و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، شروط دوازده‌گانه آمریکا جهت بازگشت به برجام، کانال مالی اتحادیه اروپا موسوم به اینستکس، انتصاب آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی به ریاست قوه قضائیه، صدور بیانیه گام دوم انقلاب توسط رهبری، قتل میترا استاد توسط محمدعلی نجفی، قتل جمال خاشقجی، سفر نخست‌وزیر ژاپن برای ارسال پیام آمریکا به ایران، حمله به دو نفتکش در دریای عمان، حمله پدافند ایران به پهپاد آمریکایی و ساقط‌کردن آن در خلیج‌فارس، حمله به تأسیسات نفتی آرامکو عربستان، سفر رئیس‌جمهور به نیویورک و تلاش کشورهای اروپایی برای دیدار میان رؤسای‌جمهور ایران و آمریکا، افزایش ناگهانی قیمت سوخت و بروز اعتراضات گسترده و بی‌سابقه در آبان‌ماه ۹۸، ناآرامی‌ها و شورش‌های عراق، ترور سردار حاج‌قاسم سلیمانی، پاسخ نظامی ایران و حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد آمریکا، هدف قرارگرفتن هواپیمای اوکراینی توسط پدافند ضدهوایی کشور، عدم تصویب لوایح سی‌اف‌تی و پالرمو و قرارگرفتن ایران در لیست سیاه FATF، توقیف نفتکش ایران در جبل‌الطارق، توقیف نفتکش انگلیسی در خلیج‌فارس، برگزاری انتخابات یازدهمین دوره مجلس و پیروزی اصولگرایان، شیوع گسترده بیماری کرونا در کشور و توقف اکثر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و قرنطینه خانگی، کاهش بی‌سابقه تولید و فروش نفت ایران و کاهش جهانی قیمت نفت، نمونه‌هایی از این تحولات و وقایع یک دهه گذشته است. با این مقدمه، آیا در میان این تحولات و وقایع فرصت‌هایی داشته‌ایم که از دست رفته باشد و با نگاهی به تجارب حاصل از آن بتوانیم راهکار و پیشنهادی برای آینده ارائه کنیم؟

اجازه دهید تا موضوع را با نگاهی اجمالی و کلان‌تر تحلیل کنیم. دهه گذشته که آغاز آن را سال ۱۳۸۸ و پایان آن را بهار ۱۴۰۰ فرض می‌کنیم، با دو زلزله آغاز شد و با دو زلزله هم پایان می‌پذیرد و تمام وقایعی که در فاصله این دو مرحله رخ داده است، از جنس زلزله نیستند، بلکه از پیامدها و پس‌لرزه‌ها و نشانه‌های بحران و نمودهای آنها هستند. در اشاره به واژه زلزله، منظور من تحولاتی است که درنتیجه آنها ساختارهایی تغییر می‌کند و درپی این اتفاقات و بازسازی‌ها، تغییرات ساختاری به‌وجود می‌آید. این تغییرات حتی اگر بر همان پیکره و نقشه قبلی هم رخ دهد، بسیاری از مسائل را دستخوش تغییر می‌کند. در مثالی عینی در عالم واقع، پس از وقوع زلزله خیلی چیزها تغییر می‌کنند، برخی انسان‌ها از بین می‌روند، عده جدیدی برمی‌آیند، مالکیت‌ها تغییر می‌کنند، ساختار سازه‌های فیزیکی، نگرش‌ها، مناسبات، مکان‌ها و نظایر آن تغییر می‌کنند. در زلزله‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هم این‌گونه است. در دهه گذشته، همه وقایعی که ذکر کردید به‌نوعی برپایه تحول و تغییرات ساختاری ناشی از این چهار زلزله سیاسی، اجتماعی، نهادی، فرهنگی و اقتصادی بوده و خواهد بود؛ دو زلزله‌ای که این دهه با آن آغاز شد و همه تحولات بعدی به‌نوعی بر پایه تحول و درهم‌ریزی ناشی از آن دو بوده‌اند عبارت‌اند از انتخابات سال ۱۳۸۸ که سیاسی بود و اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ که یک زلزله اقتصادی محسوب می‌شود و به‌گمانم در این حوزه، زلزله‌ای با این وسعت بعد از انقلاب نداشته‌ایم. اما زلزله‌ای که این دهه با آن به اتمام خواهد رسید، یکی زلزله اجتماعی، اقتصادی و نهادی کرونا در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ است که بسیاری از ساختارهای نهادی و تاریخی کشور را تغییر می‌دهد و بر همه حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، تأثیر عمیقی خواهد داشت و نهایتا تحول پایانی که در پیش‌روی ماست، زلزله سیاسی، اجتماعی ناشی از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ خواهد بود که متعاقب آن تغییراتی صورت خواهد گرفت؛ یعنی حتی اگر هیچ حادثه‌ای رخ ندهد و یک انتخابات آرام با هر سطحی از مشارکت و با پیروزی هر شخصی با هر نگرش سیاسی برگزار شود، این انتخابات سرآغاز سلسله‌ای از تغییرات خواهد بود. در حقیقت شکل و نتیجه انتخابات ۱۴۰۰ و نتایج آن برآیند همه وقایع دهه گذشته و آغاز یک دوره تحولات بنیادین خواهد بود؛ یعنی ما در طول این دهه متحمل تغییراتی شدیم که آرام و تدریجی بود و با انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ پایان آن تغییرات و آغاز یک‌سری تغییرات ساختاری جدید را شاهد خواهیم بود. انتخابات ۱۴۰۰ منجر به ریل‌گذاری جدیدی در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد؛ خواه انتخاباتی بسته و غیررقابتی و کم‌رونق باشد که منجر به پیروزی یکی از چهره‌های محافظه‌کار بشود؛ خواه انتخاباتی نسبتا آزاد و دوقطبی و با رقابتی شدید بین کاندیداهای محافظه‌کاران و تحول‌خواهان باشد.

اما وقایع بسیار مهم دیگری نیز در طول این مدت رخ داده است که نمی‌توان از کنار آنها به‌سادگی عبور کرد؛ وقایعی همچون برجام و خروج آمریکا از آن، اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و ترور سردار قاسم سلیمانی و حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد آمریکا و همین‌طور شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی ازسوی پدافند خودی...

برجام تابع تحولات ناشی از حوادث سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ بود و خودش زلزله سیاسی و اجتماعی محسوب نمی‌شود. حتی شورش‌ها و اعتراضات سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ نشانه‌ها و پیامدهای آن زلزله‌هاست و درواقع علامت و نمودهایی است از تغییراتی که در لایه‌های زیرین ساختار جامعه رخ داده است، اما خودشان تغییر ساختاری ایجاد نکرده‌اند؛ یعنی چیزی را به‌هم نریخته‌اند و ساختارهای کشور قبل و بعد از آنها تغییری نکرده است؛ گرچه ممکن است روندهای موجود کند شده باشد یا شتاب گرفته باشد یا برای دوره‌ای کشور در التهاباتی به‌سر برده باشد اما به‌سرعت اوضاع به وضع سابق برگشته است. ترور سردار سلیمانی و حمله ایران به پایگاه آمریکا در عراق هم نشانه‌ای از یک بحران است اما زلزله ایجاد نکرده است؛ سقوط هواپیمای اوکراینی، مسائلی که بین احمدی‌نژاد و دو قوه دیگر به وقوع پیوست، تنش‌هایی که میان او و سایر شخصیت‌ها رخ داد، روی‌کارآمدن روحانی در سال ۱۳۹۲ و پیروزی او در سال ۱۳۹۶، و نظایر آنها، هیچ‌کدام نمی‌توانن واجد صفت زلزله سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشند.

بنابراین آیا جنگ تحمیلی، ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی و ریاست‌جمهوری آقای خاتمی و آغاز دوران اصلاحات را هم می‌توانیم در این سطح دسته‌بندی کنیم؟

جنگ حتما زلزله بود، اما آمدن آقای هاشمی بعد از جنگ زلزله نبود؛ تغییر رویکرد بود، تغییر راهبرد بود، ولی زلزله نبود. همین‌طور روی‌کارآمدن آقای خاتمی زلزله نبود، بلکه تحول بزرگی بود، بسیاری از فرایندها و روندها تغییر کرد و تحول بزرگی بود، اما زلزله نبود یعنی موجب به‌هم‌ریزی ساختارها نشد و فرایندهایی هم که تغییر کرد بعدا دوباره برگشت به وضعیت اول. درست است که برخی از اقدامات به تعویق افتاد، برخی از استراتژی‌ها تغییر کرد، اما تغییر ساختاری رخ نداد، فقط تنش‌هایی به‌وجود آمد که این تنش‌ها آرام‌آرام دوباره بازگشت به شرایط قبلی‌اش، یعنی وقتی که آقای خاتمی دولت را تحویل داد با وقتی که تحویل گرفت به‌لحاظ ساختار توزیع قدرت و ساختار توسعه اقتصادی، جامعه تغییر بنیادین نکرده بود، داستان اینجاست. البته فرایندها و ساختارهای جمعیتی تغییر کرد، برخی زیرساخت‌های اقتصادی ساخته شد، نهادهای مدنی زیادی شکل گرفتند و نظایر اینها، اما آنها یا ناشی از یک روند تاریخی بودند، مثل تغییر ساختار جمعیت، یا تغییرات موقتی و غیرساختاری بودند مثل افزایش تعداد روزنامه‌ها یا سمن‌ها. درواقع ساختارهای اطلاع‌رسانی تغییر کرده بود، فناوری تغییر کرده بود، و اینترنت و موبایل به‌شدت گسترش پیدا کرده بود، اما اینها ناشی از تحولات در فناوری جهانی بود نه دوم خرداد.

گفتیم منظور از زلزله این است که ماقبل و مابعد آن پدیده، ساختارها دگرگون شده باشند. وقتی ساختارها دگرگون می‌شوند، سازوکارها و فرایندها هم به‌هم می‌ریزند. ساختارها را می‌توان ترکیب اندازه، تعداد، تقسیم‌بندی‌ها و چیدمان اجزای سیستم دانست؛ سازوکارها همان روابط بین ساختارها هستند و فرایندها، حرکت‌ها و جریانی است که در دل سازوکارها وجود دارند و رخ می‌دهند. اگر ساختارها تغییر کنند، حتما سازوکارها و فرایندها تغییر می‌کنند ولی برعکس؛ اگر سازوکارها و فرایندها تغییر کنند، الزاما ساختارها تغییر نمی‌کنند. روی‌کارآمدن آقای خاتمی نه‌تنها ساختارها را تغییر نداد، بلکه خواسته یا ناخواسته، ساختارهای مستقر پیشین مقاوم‌تر و مستحکم‌تر شدند و وضعیت پس از ایشان، به ساختارهایی که قبل از سال ۱۳۷۶ شکل گرفته بود، بازگشت.

برجام چطور؟ برجام را هم شما تغییر ساختاری نمی‌دانید؟ این دستاورد نتیجه چندین سال مذاکره، تنش، التهاب و تلاش برای دستیابی به توافقی با غرب بود که به رسمیت‌یافتن فعالیت هسته‌ای ایران منتهی شد.

برجام تغییر ساختاری نبود، برجام سازوکاری بود که در زمان آقای احمدی‌نژاد شکل گرفته بود و با یک فرایند غیرجدی و صوری داشت جلو می‌رفت. بعد از احمدی‌نژاد، فرایندهای داخل این سازوکار، جدی‌تر شد و سرعت گرفت و روش‌های اجرای آن تغییر کرد تا به نتیجه رسید. اما به‌نتیجه‌رسیدن سازوکار برجام، ساختارها را تغییر نداد؛ یعنی قبل و بعد از برجام ساختار سیاسی و اقتصادی در جمهوری اسلامی تغییری نکرد. شاید اگر نظام سیاسی تمایل می‌داشت می‌توانست اجازه دهد برجام به یک زلزله تبدیل شود اما چنین نشد و برجام عملا عقیم شد. چون از همان اول برجام به وسیله خود بازیگران داخلی، مورد حمله قرار گرفت و بی‌اعتبار شد و بنابراین اجازه داده نشد تا برجام راه را برای یک تغییر ساختاری در مناسبات اقتصادی و سیاسی با خارج باز کند.

با این اوصاف پس پیروزی و ریاست‌جمهوری میرحسین موسوی در انتخابات ۸۸ هم نمی‌توانسته در قالب تحول ساختاری در کشور تأثیرگذار باشد؟ به بیان دیگر شما هم بر این باورید که با روی‌کارآمدن میرحسین موسوی و به فرض این‌که هیچ‌کدام از وقایع نیز رخ نمی‌داد، تحول ساختاری چندانی در کشور به‌وجود نمی‌آمد؟

بله، معتقدم اگر مهندس موسوی هم رئیس‌جمهور می‌شد چیزی تغییر نمی‌کرد و تحولی ساختاری پدید نمی‌آمد.

علت آن چیست؟ مبنای تحلیل شما متوجه ساختار قدرت است یا به مردم بازمی‌گردد؟

بیشتر متوجه ساختار قدرت در ایران است. باید اصولا آمادگی گفت‌وگو در پنداره یا پارادایم موسوی به وجود می‌آمد تا چیزی تغییر می‌کرد و تحولی ساختاری رخ می‌داد. وقتی آمادگی گفت‌وگو در چارچوب یک پنداره وجود نداشته باشد، با آمدن یک پنداره متعارض، تازه دردسر، مشکلات و تنش‌های جدید آغاز می‌شود. همان‌گونه که در دوران آقای خاتمی شاهد بودیم.

ادامه در صفحه ۷

آینه

دنیای اقتصاد

جهان در محاصره قوهای سیاه

● **محمدحسین باقی:** ... مورخان آینده تاثیرات نسبتا بزرگی را به پاندمی ویروس کرونای فعلی نسبت می‌دهند... تصور عواقب بدبینانه آسان است. ملی‌گرایی، فاشیسم، بیگانه‌هراسی و حمله به نظم جهانی لیبرال سال‌هاست روندی افزایشی دارد و این روند فقط با پاندمی کرونا تسریع خواهد شد... . در نهایت، ظهور به‌اصطلاح «قوهای سیاه» غیرقابل پیش‌بینی است اما وقتی به دقت نگریسته شود احتمال آن فزونی می‌گیرد [نظریه «قوی سیاه»، استعاره‌ای است که به اثرات شدید ناشی از برخی رویدادهای غیرقابل‌پیش‌بینی و نادر و همچنین تمایل انسان به یافتن توضیحاتی ساده و دم‌دستی، و گاهی غیرعقلانی و حتی خرافی برای این رویدادها می‌پردازد. وجه تسمیه این پدیده ریشه در فرهنگ غرب دارد که «قوی سفید» را پرنده‌ای سفید و مظهر پاکی تصور می‌کردند و قوی سیاه را مظهر شیطان و نماد شر و جادوگری می‌پنداشتند]... درحقیقت، فاشیسم را می‌توان یکی از این کیش‌ها دانست که از خشونت و جابه‌جاشدگی‌های تولیدشده به واسطه جنگ جهانی اول و تبعات پس از آن ظهور کرد... بااین‌وجود، درست همان‌طور که «رکود بزرگ» نه‌تنها موجب شکل‌گیری فاشیسم شد بلکه زمینه احیا و نوسازی لیبرال‌دموکراسی را فراهم ساخت، بنابراین، این پاندمی هم عواقب مثبت و منفی‌ای خواهد داشت... . واقعیت‌های عملی پرداختن به این پاندمی به نفع تخصص‌گرایی و حرفه‌ای‌گرایی است؛ عوام‌فریبی و بی‌کفایتی‌ای که آشکارا در معرض دید هستند.

وطن امروز

۷ سال از عمر یک ملت

● **کمیل نقی‌پور:** ... حسن روحانی هشتمین سال ریاست‌جمهوری خود را آغاز می‌کند اما نه‌تنها مشکل بیکاری حل نشده، بلکه بار بیکاری بیش از هر زمان دیگری بر دوش کشور سنگینی می‌کند. تورم در تاریخ ایران رکورد زده و قیمت خانه در ایران هم مانند تورم رکورددار شده است. مشکل اجاره‌بها و مسکن به صورت تصاعدی بیشتر شده است. مردم باک ماشین خود را با بنزین ۳ هزار تومانی پر می‌کنند و همانند زمان ریاست‌جمهوری هاشمی برای خرید خودرو باید حواله بخرند و در صف باشند و در یک جمله اگر بخواهیم وضعیت اقتصادی را در این مدت خلاصه بیان کنیم باید گفت رشد اقتصادی در سال گذشته منفی ۷ بوده است. میراث حسن روحانی در سیاست خارجی نیز دست‌کمی از اوضاع‌واحوال اقتصادی ندارد. گشایش اوضاع کشور پس از توافق هسته‌ای سرابی بیش نبود، روحانی به‌رغم آنکه صنعت هسته‌ای را تعطیل کرد و به یک برنامه کوچک‌شده هسته‌ای تن داد اما گسترده‌ترین تحریم‌ها در تاریخ علیه جمهوری اسلامی به اجرا درآمد. دولتی که کشور را به امید دستیابی به توافق هسته‌ای و حل مشکلات اقتصادی در نتیجه بستن با کدخدا تعطیل کرده بود، به نظر می‌رسد در این روزها و پس از ۷ سال متوجه شده مسیر را اشتباه رفته است.

اعتماد

انفعال خطرناک‌تر از اعتراض

● **عباس عبدی:** ... شاید بتوان پذیرفت که در برخی مقاطع حقوق و دستمزدهای کارگران دیرتر پرداخت شود، ولی نه‌آنکه برای چند ماه پیاپی این حقوق‌ها پرداخت نشود و کارفرمای دولتی نیز هیچ مسوولیتی در برابر رفتار پیمانکار خود نپذیرد، یا دستگاه‌های نظارتی و قضایی به مساله رسیدگی نکنند. نتیجه همین می‌شود که کارگر ناامید از همه‌جا خودش را روی چاه نفت به دار بکشد و تصویر آن نمادی از بی‌عدالتی و مشکلات این طبقه محروم شود یا یک جانباز در کرمانشاه خودش را به بدترین شکلی جلوی نهاد مربوط به آتش بکشد. این رفتارها نشانه‌های خطرناک‌تری از اعتراض هستند. باید همیشه دعا کرد که اگر مردم ناراحت بودند، بهتر است اعتراض کنند، نه‌آنکه خودسوزی کنند یا خود را به دار بکشند. این انفعال بدتر از آن اعتراض است. اعتراض نشانه زنده‌بودن یک جامعه است، حتی اگر اعتراض آنان درست نباشد. ولی خودسوزی و خودکشی؛ نشانه بن‌بست کامل و ناامیدی نزد مردم است و نتایج این رفتار خطرناک‌تر است... . متاسفانه سیاستمداران مرکزنشین نیز متوجه ابعاد ماجرا نیستند، چون همیشه هنگامی که با این اعتراضات مواجه می‌شوند می‌گویند، ان‌شاءالله گربه است.

کیهان

«ایالات متحده» با چالش فروپاشی مواجه است

● **سعدالله زارعی:** ... در سال ۱۳۷۱ شاهد تظاهرات بزرگ مردمی در پی کتک‌خوردن «رادنی کینگ» بودیم. در سال ۱۳۸۹ پس از قتل «اوسکار گرانت» به دست پلیس تظاهراتی برگزار شد. در سال ۱۳۹۱ پس از قتل یک نوجوان ۱۷ ساله سیاه‌پوست که مشغول خریدن شیرینی بود به دست پلیس فلوریدا شاهد موجی از اعتراضات مردمی بودیم. در سال ۱۳۹۳ پس از آنکه «دارن ویلسون» پلیس فرگوسن، «مایکل براون» نوجوان ۱۸ ساله سیاه‌پوست را کشت. در سال ۱۳۹۷ در ایالت فیلادلفیا یک جوان سیاه‌پوست با شلیک ۲۰ گلوله پلیس به قتل رسید. در سال ۱۳۹۷ در «ال پاسو» پاتریک کروسیس سفیدپوست، ۲۰ نفر را کشت و ۴۶ نفر را زخمی کرد... بنابراین آنچه علیه فلوید توسط پلیس به اجرا گذاشته شد، یک رویداد جدید و غیرمنتظره به حساب نمی‌آید...

سند کمپانی **خودرو وانت آریسان رنگ سفید روغنی** مدل ۱۳۹۶ به شماره موتور 118J5004662 و شماره شاسی NAAB66PE3HC400679 به نام **شمس اله احمدیان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت حفار فن پیشرو (با مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۳۸۸۳۰۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۹۰۳۱۹ (نوبت دوم)

در اجرای ماده ۲۱۵ قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت حفار فن پیشرو (با مسئولیت محدود) که آگهی انحلال آن در روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۱۷۲۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۹ به چاپ رسیده است دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداکثر یک سال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به محل تصفیه واقع در تهران، خیابان مقدس اردبیلی، خیابان الف، مرکز خرید پالادیوم، طبقه ۱۰، واحد ۱۰۲۶، به کدپستی ۱۹۸۶۷۶۱۸۶۱ مراجعه فرمایند. بدیهی است که شرکت در مورد هر گونه ادعای احتمالی که خارج از مهلت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهد داشت.
هانیه حدادی سیار ثابت - مدیر تصفیه شرکت حفار فن پیشرو (با مسئولیت محدود)

سند کمپانی و کارت **خودرو هیوندای سانتافه رنگ سفید روغنی** مدل ۲۰۱۶ به شماره پلاک ایران ۸۸ _ ۱۹۷ د ۶۷ و شماره موتور G4KJFA753258 و شماره شاسی KMHSU81BDGU603520 به نام **آزیتا یوسفی سیاه‌رودی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شناسنامه مالکیت، پروانه تردد و **کارت خودرو مرسدس بنز** رنگ خاکستری، نقره ای مدل ۲۰۱۷ تیپ GLE350 شماره موتور ۲۷۶۹۵۵۳۰۹۴۷۲۷۴ و شماره شاسی 4JGDA5HB4HA874905 به نام **فریده سبزی‌خباز** مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵ جی ال ایکس آی رنگ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ایران ۵۵ _ ۶۳۳ ی ۲۵ و شماره موتور ۱۲۴۸۹۰۰۳۵۷۵ و شماره شاسی NAAM01CA5AK892018 به نام **ناصر غفاری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو پژو 206SD-TU5 رنگ خاکستری متالیک** مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ایران ۳۸ _ ۴۷۴ ط ۵۲ و شماره موتور ۱۳۳۸۶۰۰۱۱۹۵ و شماره شاسی ۱۸۹۱۵۹۵۱ به نام **میثم باقری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو **کامیونت ون نیسان رنگ آبی روغنی** مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ایران ۲۵ - ۴۴۵ و ۱۹ و شماره موتور ۵۲۱۹۳۷ و شماره شاسی NAZPL140TIM229238 به نام **محمد پاسبان همو** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک گواهینامه موقت فارغ التحصیلی اینجانب **سجاد هاشمی** فرزند علی اشرف به شماره شناسنامه ۱۵۷ صادره از دره شهر در مقطع کارشناسی رشته مهندسی تکنولوژی برق قدرت صادره از واحد دانشگاهی آزاد رفسنجان با شماره ۱۴۳۴۶۶۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان ارسال نماید.

اصل کلیه مدارک (شناسنامه مالکیت، سند کمپانی، تسلسل اسناد) خودرو سمند LXEF7 مدل ۱۳۹۷ رنگ سفید روغنی به شماره موتور 147H0386003 و شماره شاسی NAACJ1JE4JF416201 پلاک شماره انتظامی ایران ۲۰ _ ۶۸۵ ب ۳۶ به نام اینجانب **ابراهیم نظری شربیانی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR